

سال‌نمای امنیت ملی
جمهوری اسلامی ایران
تحولات راهبردی ۱۳۹۱
چشم‌انداز ۱۳۹۲

زیر نظر شورای نویسندگان



شورای همکاری خلیج فارس

مقدمه

کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، علی‌رغم تفاوت‌هایی که دارند، به واسطه اشتراکات فراوان‌شان می‌توانند یک مجموعه سیاسی و یا امنیتی تلقی شوند و این امر می‌تواند توجیه‌گر مواضع کمابیش مشابه آنها در قبال ایران محسوب شود. در سال ۱۳۹۱ تداوم تأثیرات و پس‌لرزه‌های انقلاب‌های عربی در منطقه، روابط ایران و آمریکا و به تبع آن مسأله اعمال تحریم‌ها و تشدید آنها علیه ایران، به همراه رقابت منطقه‌ای عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران، بر مناسبات این کشورها با ایران و موضع‌گیری‌های آنان سایه افکنده است. در زیر به اجمال مهم‌ترین رویدادها و جهت‌گیری‌های این کشورها در سال ۱۳۹۱ و اثرات آنها بر جمهوری اسلامی ایران و امنیت ملی کشور بررسی می‌شود.

برآورد ۱۳۹۱

طی سال ۱۳۹۱ عربستان سعودی به عنوان وزنه اصلی شورای همکاری خلیج فارس همانند سال‌های قبل، روابط پُر فراز و فرود و همواره پُرتنش با ایران داشت. به طوری که روابط سایر کشورهای عضو شورای همکاری را می‌توان تحت‌الشعاع روابط عربستان و ایران تلقی کرد.

عربستان سعودی

طی سال ۱۳۹۱، عربستان سعودی بر اساس دکترین سیاست خارجی (جدید) ملک عبدالله، به حضور فعال‌تر در صحنه تحولات منطقه‌ای و رقابت با ایران و تلاش برای تضعیف متحدین بالقوه و بالفعل ایران ادامه داد. در عرصه داخلی، افزایش مطالبات سیاسی و اقتصادی (و به صورت مشخص مسأله بیکاری و مشکل مسکن) و تداوم نارضایتی‌ها و اعتراضات اقلیت شیعه، و درگذشت پیاپی چند تن از شاهزادگان و ولی‌عهده‌ها و پیش‌بینی بروز بحران جانشینی در آینده نزدیک، از اصلی‌ترین تحولات این کشور به شمار می‌آید. در زیر به مهم‌ترین رویدادهای عربستان که بر امنیت ملی ایران تاثیرگذار است اشاره می‌شود.

طی سال ۱۳۹۱، عربستان سعودی بر اساس دکترین سیاست خارجی (جدید) ملک عبدالله، به حضور فعال‌تر در صحنه تحولات منطقه‌ای و رقابت با ایران و تلاش برای تضعیف متحدین بالقوه و بالفعل ایران ادامه داد

اعدام ۱۸ شهروند ایرانی: در اوایل سال ۱۳۹۱، به رغم توافق اعلام شده بین علی اکبر صالحی وزیر خارجه ایران و سعود الفیصل وزیر خارجه عربستان مبنی بر توقف حکم اعدام هیجده شهروند ایرانی بازداشت شده در آب‌های عربستان (شش سال پیش)، اعدام آنان به دستور نایف بن عبدالعزيز ولیعهد محافظه کار سعودی به اعتراضات دیپلماتیک و لغو سفر معاون وزارت خارجه به عربستان انجامید. آنچه در این مسأله حائز اهمیت بود، برخوردارنبودن متهمین ایرانی از وکیل، مترجم و عدم امکان حضور کنسول در جریان دادرسی بود.

مداخله دولت سعودی در بحرین و پیشنهاد الحاق بحرین به عربستان: در دو سال گذشته ایران همواره به سیاست مداخله گرایانه عربستان در بحرین اعتراض داشت. حضور نظامی عربستان و سرکوبی اعتراضات مردمی در بحرین که با توسل به نیروی جمعی سپر جزیره توجیه شد، بخشی از تلاش سعودی‌ها جهت حفظ حوزه نفوذ خویش و ممانعت از سرایت اعتراضات به منطقه شیعه‌نشین شرقیه در مجاورت بحرین بود. پیشنهاد الحاق بحرین به عربستان با هدف تبدیل اکثریت شیعه بحرین به یک اقلیت در میان جمعیت سنی دو کشور است که موجب اعتراضات و انتقادات در ایران شد (مثلاً به سابقه تاریخی تعلق بحرین به ایران اشاره شد) و فراخوانی متقابل سفرای ایران و بحرین را، در دو کشور در پی داشت.

درگذشت فرزندان عبدالعزيز بن سعود و اصلاحات بطنی داخلی: مطابق وصیت ملک عبدالعزيز بنیانگذار عربستان جدید، تا زمانی که فرزندان ذکور او زنده باشند، نوه‌هایش نمی‌توانند به مقام پادشاهی برسند. در شرایط کنونی که ملک عبدالله کهن سال و مریض احوال در مصدر امور است و طی یک سال اخیر دو تن از گزینه‌های آینده پادشاهی (نایف بن عبدالعزيز وزیر کشور سابق و سلطان بن عبدالعزيز) به فاصله چند ماه درگذشته‌اند، نامزدهای اندکی برای زمامداری بعد از وی باقی می‌ماند. ضمن آن که از سن ولی‌عهد فعلی (سلیمان بن عبدالعزيز) نیز قریب به هشت دهه می‌گذرد و مقرر بن عبدالعزيز، ولیعهد بالقوه نیز در اقدامی بی‌سابقه از ریاست دستگاه اطلاعاتی سعودی کنار گذاشته شد (جای وی را بندر بن سلطان

سفیر کهنه کار عربستان در واشنگتن و از چهره‌های نزدیک به امریکا گرفت). برکناری مقرر، به عنوان بخشی از تلاش‌های ملک عبدالله برای اجرای برخی اصلاحات در این کشور تعبیر می‌شود، اقداماتی چون انتصاب ۱۵ تن از زنان به عضویت در شورای مشورتی سعودی، صدور مجوز داشتن کارت شناسایی برای زنان، برگزاری کنفرانس‌های گفتگوی ادیان، و تعیین روز و جشن ملی (الیوم الوطنی) برای اهالی عربستان (سالگرد تاسیس پادشاهی سعودی توسط عبدالعزیز بن سعود) که در مقیاس جهانی اموری عادی به حساب می‌آیند، در چارچوب تفکر سنتی سعودی و به ویژه نزد علمای محافظه کار این کشور اقداماتی انقلابی تلقی می‌شوند.

سیاست عربستان در عرصه بازار نفت: در اغلب مواقع سیاست نفتی عربستان در تقابل با منافع نفتی ایران است. در سال ۱۳۹۱ قبل از اجلاس ۱۱ تیر اوپک در ژنو، اختلاف نظر عربستان و ایران در زمینه قیمت نفت آشکارتر شد. علی‌النعمی وزیر نفت عربستان از ضرورت پایین آمدن قیمت هر بشکه به حدود ۶۰ دلار سخن می‌گفت که با اعتراض محمد علی خطیبی نماینده ایران در اوپک همراه شد. علاوه بر این عربستان، همان‌طور که در اجلاس اوپک نیز مطرح ساخت، کوشیده است تولید نفت خود را به حدود ۱۲ میلیون بشکه در روز برساند و مدعی است تا چند سال آینده، به ظرفیت تولید روزانه ۱۵ میلیون بشکه دست خواهد یافت. این اقدامات در کنار اعلام بازسازی و بازگشایی خط لوله عراق (که در زمان جنگ ایران و عراق و با هدف انتقال نفت عراق به دریای سرخ احداث شده و در سال ۲۰۰۱ در قبال بدهی‌های عراق مصادره شده بود) و افزایش ظرفیت پمپاژ نفت به ساحل دریای احمر به حدود پنج میلیون بشکه در روز، نوعی همراهی با آمریکا و دولت‌های غربی در مسیر تشدید تحریم ایران و تهدید به مسدود کردن تنگه هرمز، تلقی می‌شود.

اعتراضات شیعیان منطقه شرقیه: زخمی کردن و دستگیری نمر باقر النمر، روحانی شاخص شیعه در عربستان موجب افزایش اعتراضات خیابانی در منطقه شرقیه شد که به مرگ چندین جوان و دستگیری ده‌ها تن انجامید. در واقع، اعتراضات متأثر از انقلاب‌های عربی در منطقه شیعه‌نشین عربستان، با فراز و نشیب‌هایی، تداوم یافته و دولت سعودی با سرکوبی شدید، فرقه گرایانه نشان‌دادن اعتراضات (ممانعت از همراهی اکثریت سنی با آنان) و ادعای دخالت و هدایت ایران توانسته است تا حدودی اعتراضات را ساکت کند. اعتراضات در مواردی به قدری رادیکال شد که حتی به اعلام استقلال ناحیه شرقیه و تشکیل جمهوری قطیف توسط برخی جوانان منجر شد.

برگزاری رزمایش‌های متعدد: برگزاری رزمایش‌های مختلف در سال ۱۳۹۱، وجه دیگری از تعارضات عربستان و ایران و رقابت‌های منطقه‌ای بود. زیرا طی سه رزمایشی که در منطقه برگزار شد، مقابله با ایران و بسته شدن احتمالی تنگه هرمز جزء لاینفک هر سه رزمایش بود. رزمایش

برگزاری
رزمایش‌های مختلف
در سال ۱۳۹۱، وجه
دیگری از تعارضات
عربستان و ایران در
عرصه رقابت‌های
منطقه‌ای بود

عربستان که به حامی
ضد انقلاب در جریان
انقلاب‌های عربی شهرت
یافته بود، در چرخشی
ناگهانی و با هدف مقابله
با ایران از اپوزیسیون
مسلح سوریه حمایت کرد

هوایی (۲۰ فروردین) با حضور دویست جنگنده آمریکایی و ۴ کشور حاشیه خلیج فارس، تمرین بازگشایی تنگه هرمز، جلوگیری از حملات به اسکله‌ها و تأسیسات نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس و ایجاد هماهنگی بین نیروهای هوایی- دریایی آمریکایی با امارات متحده عربی، عربستان، بحرین و کویت را شامل می‌شد. در مانور شیر پرشور (Eager lion)، در خردادماه با شرکت دوازده هزار نیرو از نوزده کشور غربی و عربی، تمرین‌هایی برای آزادی گروگان‌ها و عملیات ورود به خشکی و حمله به ایران وجود داشت. در مانور نظامی آمریکا در خلیج فارس (به مدت ۱۲ روز از ۲۶ شهریور به بعد) عملیات مین‌روبی و مقابله با مسدودسازی تنگه هرمز و تمرین مقابله با مین‌های دریایی و جنگنده‌ها و کشتی‌ها و موشک‌های ساحل به دریای ایران، به اجرا درآمد. بخشی از این تمرین‌ها را می‌توان امور معمول نظامی دانست. در عین حال، روشن است که عربستان و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس امکان درگیری با ایران (البته و علی‌القاعده با هدایت و همراهی آمریکا) را جدی تلقی می‌کنند. برگزاری مانورهای متعدد از سوی ایران در منطقه و تهدید به بستن تنگه هرمز نیز می‌تواند در نمایش قدرت مزبور، مؤثر باشد.

مداخله عربستان در بحران سوریه؛ عربستان که به حامی ضد انقلاب در جریان انقلاب‌های عربی شهرت یافته بود، در چرخشی ناگهانی و با هدف مقابله با ایران و متحدین این کشور، از اپوزیسیون مسلح سوریه حمایت نظامی و مالی و سیاسی قابل توجهی به عمل آورده است. جمع‌آوری کمک از سوی عربستان سعودی، برگزاری اجلاس‌های متعدد برای حمایت از اپوزیسیون سوریه (از جمله جلسه کنفرانس اسلامی در مکه) و حضور فعال در اجلاس دوحه، این کشور را در کنار قطر (و در مرتبه بعد ترکیه) به حامی مهم اپوزیسیون سوریه مبدل کرده است. موضع کاملاً متضاد ایران در قبال بحران سوریه، بر سردی بیشتر روابط دو کشور طی سال ۱۳۹۱ افزود و باعث شد به رغم سه سفر متوالی رییس جمهور ایران به عربستان، هیچ مقام بلندپایه‌ای از عربستان به ایران (حتی برای شرکت در اجلاس عدم تعهد) سفر نکند.

خریدهای تسلیحاتی عربستان: خرید سلاح، آن هم از منابع متعدد (به ویژه پس از اتخاذ سیاست خارجی چندبُعدی و چندوجهی عربستان از زمان تصدی حکومت از سوی ملک عبدالله) از سیاست‌های دایمی عربستان بوده است. در اوایل سال ۱۳۹۱ فروش سلاح به کشورهای منطقه خلیج فارس مباحث بسیاری را در برخی کشورها (به ویژه سوئد) برانگیخت و احزاب مخالف، نسبت به فروش اسلحه به کشورهای غیردموکراتیک و سرکوبگر معترض بودند. مهم‌ترین توافق تسلیحاتی عربستان در این سال با سفر دیوید کامرون نخست وزیر بریتانیا به منطقه (با هدف مشخص فروش سلاح) به دست آمد و براساس آن عربستان ۷۲ فروند تیفون (که در جنگ علیه لیبی آزمایش شده بود) خریداری کرد. علاوه براین، عربستان (در ماه نوامبر/آبان‌ماه) قراردادی هم با آمریکا به ارزش ۷/۶ میلیارد دلار برای خرید ۲۵۰ هواپیمای

نظامی، ۲۰ هواپیمای لجستیک سی ۱۳۰ جی و ۵ هواپیمای سوخت‌رسان امضا کرد. در مجموع عربستان که خود را درگیر رقابتی منطقه‌ای با ایران می‌داند، می‌کوشد با افزایش سطح تشنج و تمهید مقدمات تحریم شدیدتر ایران و در مراحل بعدی، تشویق آمریکا به مداخله مستقیم علیه ایران، دخالت در کشورهایی که حوزه نفوذ خویش می‌داند (یمن و بحرین)، به تضعیف رقیب قوی‌تر منطقه‌ای خود بپردازد. در واقع، نگرانی سعودی‌ها از افزایش قدرت ایران و عدم امکان مواجهه نظامی و علنی با آن، موجب شده عربستان برای فعالیت آمریکایی‌ها علیه ایران زمینه‌سازی کرده و آنها را به اقدامات شدیدتر تشویق کند.

بحرین

آغاز اعتراضات علیه حکومت بحرین از ۲۴ دی‌ماه ۱۳۹۰ با استقبال ایران و مقاومت شدید آل خلیفه مواجه شد و در شرایطی که حکومت بحرین به سمت سازش و قبول برخی مطالبات معترضین حرکت می‌کرد، حکومت عربستان سعودی نیروهای نظامی خود را تحت پوشش "سپر جزیره" (نیروی نظامی واکنش سریع شورای همکاری خلیج فارس) وارد این کشور ساخت و نیروهای مزبور ضمن سرکوبی شدید تظاهرکنندگان، میدان لؤلؤ، نماد اعتراض‌ها را تخریب کردند و با ایجاد پُست‌های بازرسی و گشت‌های خانه به خانه، معترضین را بازداشت کرده و تحت شکنجه‌های مختلف قرار دادند و برخی را وادار به اعترافات نمایشی نمودند. از آن زمان (سال ۲۰۱۱) نه اعتراض‌ها به صورت کامل فروکش کرده و نه محاکمه و پیگردهای قضایی به پایان رسیده است. در میان محاکمه‌های مختلف، از جمله در خردادماه ۱۳۹۱، هشت شهروند بحرینی به اتهام همکاری با یک دولت خارجی و تأمین اطلاعاتی کشوری بیگانه محاکمه و شش تن از آنها به ۱۵ سال حبس محکوم شدند. با آنکه در جریان محاکمات اسمی از کشور مزبور به میان نیامد، اما روشن بود که هدف القای نفوذ و دخالت ایران بود و تشدید تنش در روابط دو کشور باعث فراخوانی سفرای دو کشور و اعتراضات مکرر شد. در بهمن‌ماه نیز حکومت بحرین خبر از دستگیری تیمی تروریستی داد که مدعی بود در ایران و تحت کنترل سپاه پاسداران آموزش دیده‌اند. البته چنین اخباری بی‌سابقه نبوده و اعلام آنها تقریباً همواره با افزایش اعتراضات عمومی مقارن می‌شود. اما با همه مداخلات و خشونت‌ها، اعتراضات بحرین تداوم داشت و برای مثال در ابتدای پاییز نیروهای امنیتی مجبور شدند، چندین روز شهرک "عکر" را به محاصره درآورند و در همبستگی با اهالی شهرک مزبور در نواحی دیگر بحرین نیز اعتراضاتی برپا شد. نمونه دیگری از برخورد خشن حکومت بحرین با معترضین لغو تابعیت ۳۱ شهروند فعال سیاسی بحرینی شیعه و اغلب ساکن خارج از کشور بود. با این حال به نظر نمی‌رسد بحران بحرین با اقدامات مزبور حل شود و تنها حل نهایی

عربستان می‌کوشد با افزایش سطح تشنج و تمهید مقدمات تحریم شدیدتر ایران و در مراحل بعدی، تشویق آمریکا به مداخله مستقیم علیه ایران به تضعیف رقیب قوی‌تر منطقه‌ای خود بپردازد

مشکلات به تعویق خواهد افتاد.

به نظر می‌رسد این کشور و عربستان توانسته‌اند افکار عمومی عربی و غربی را قانع کنند که در صورت تأمین خواسته‌های اکثریت شیعی، بحرین به اقمار ایران خواهد پیوست. آمریکاییان نیز به بهای حفظ ناوگان پنجم خویش در این کشور، رفتار تأییدکننده‌ای در پیش گرفته‌اند.

کویت

مهم‌ترین مسایل کویت در سال ۱۳۹۱ جنجال‌های انتخاباتی این کشور بود، به طوری که ظرف یک سال دو بار انتخابات پارلمانی سراسری برگزار شد و در نهایت نیز پارلمان جدید تصمیم به اصلاح قانونی گرفت که به واسطه سخت‌گیری‌های آن، همین مجلس شکل گرفته بود. اعتراضات در کویت متأثر از انقلاب‌های عربی آغاز شد و به دنبال اختلافات و جنجال‌های داخل پارلمان در آبان ۱۳۹۰، امیر کویت مخالفان را به خراب‌کاری برنامه‌ریزی شده متهم و کابینه را به جلسه اضطراری دعوت کرد. اتهام‌زنی‌های متقابل و تشدید اعتراضات باعث شد دولت کنارگیری کرده و امیر کویت پارلمان را منحل کند. انتخابات جدید در ۱۴ بهمن ۱۳۹۰ برگزار شد که در نتیجه آن، اکثریت پارلمان به دست اپوزیسیون، متشکل از اسلام‌گرایان سلفی اخوانی، لیبرال‌ها و ناسیونالیست‌ها افتاد. چنین ترکیبی خوشایند امیر نبود؛ بنابراین دادگاه قانون اساسی کویت در ۳۰ خرداد ۱۳۹۱، انحلال پارلمان در سال قبل را غیرقانونی دانست و انتخابات جدید را کن لم یکن اعلام و به اعتبار پارلمان سابق رأی داد. این امر اعتراضات شدید اپوزیسیون، استعفای آنان و تلاش برای تعطیل و مختل کردن کار پارلمان را در پی داشت. اختلاف‌ها و اعتراض‌های مزبور موجب شد تا امیر در ۱۵ مهر پارلمان را منحل و دستور برگزاری انتخابات را در ۱۰ آذر صادر کند. امیر به این امر بسنده نکرد و دستور اعمال تغییرات در قانون انتخابات را نیز صادر کرد. انتخاباتی که گروه‌های سیاسی و حتی برخی قبایل مهم آن را تحریم کردند و در نتیجه مشروعیت آن به دلیل مشارکت پائین مردم (زیر ۴۰٪) مورد تردید قرار گرفت. با این حال نکته جالب این انتخابات پیروزی نسبی شیعیان (کسب حدود سی درصد کرسی‌ها)، کاهش تعداد کرسی‌های زنان و موفقیت چهره‌های جوان در ورود به مجلس کویت بود.

امارات متحده عربی

سفر ابتدای سال ۱۳۹۱ محمود احمدی‌نژاد ریاست جمهوری اسلامی ایران به جزیره ابوموسی، با اعتراضات شدید امارات (و برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس و از جمله بحرین) مواجه شد. امارات این اقدام را نقض حاکمیت خود می‌دانست و به قراردادهای ۱۹۷۳ متوسل می‌شد.

در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۱، حجم تجارت غیرنفتی ایران و امارات از نظر وزنی و ارزشی به ترتیب ۴۰.۹ و ۳۶.۹ درصد کاهش یافته و به ۸.۴۴۸ میلیون تن و ۱۱.۳۷۲ میلیارد دلار رسید

اما ایران برداشت مقامات اماراتی را نپذیرفت و موجی از احساسات ناسیونالیستی در مطبوعات و فضای مجازی بر سر جزیره ابوموسی و سفر مزبور در امارات به راه افتاد.

امارات متحده عربی در این سال نیز به تکرار مواضع خویش در قبال جزایر سه گانه ایرانی در محافل و مراکز مختلف ادامه داد، اما روشن است که نتیجه‌ای کسب نکرد. سفر دیوید کامرون در آبان ماه به امارات و امضای قرارداد خرید ۶۰ فروند تایفون از حوادث مهم امارات به حساب می‌آید. همچنین در آبان ماه، مقامات اماراتی خبر از دستگیری ۶۴ عضو گروه اسلام گرای محلی الاصلاح دادند و مدعی شدند اخوان المسلمین برای سرنگونی کشورهای منطقه نقشه می‌کشد. این امر می‌تواند به ماه غسل کشورهای محافظه کار منطقه با اسلام گرایان تازه به قدرت رسیده منطقه شمال آفریقا پایان دهد.

روابط اقتصادی و تجاری ایران و امارات متحده عربی که در اثر اعمال تحریم‌های بین‌المللی رو به کاهش بود، در سال ۱۳۹۱ بیش از پیش کاهش یافت. طبق گزارشات منتشر شده در ۹ ماهه اول سال ۱۳۹۱، حجم تجارت غیرنفتی ایران و امارات از نظر وزنی و ارزشی به ترتیب ۴۰.۹ و ۳۶.۹ درصد کاهش یافته و به ۸.۴۴۸ میلیون تن و ۱۱.۳۷۲ میلیارد دلار رسید. با وجود این، امارات همچنان بزرگ‌ترین مبدأ ورود کالا به ایران است و عمده‌ترین کالاهای وارداتی ایران از این مسیر انجام می‌گیرد.

قطر

تلاش قطر برای ایفای نقشی مهم‌تر در خاورمیانه و حمایت‌اش از کشورهای دستخوش انقلاب عربی، پارادکسی را در پیش چشم ناظران ترسیم می‌کند؛ حکومتی پادشاهی و به دور از رنگ و صبغه دموکراتیک از جنبش‌های اعتراضی و انقلابی حمایت می‌کند. شبکه تلویزیونی الجزیره با چابکی و زیرکی فراوان نقش مهمی در نفوذ منطقه‌ای قطر و پیشبرد اهداف و اجرای سیاست‌های این کشور ایفا می‌کند. دیپلماسی قطر بسیار فعال است و در حل و فصل منازعات منطقه‌ای، رفع اختلافات سیاسی در درون دولت‌ها و برگزاری همایش‌های بین‌المللی در قطر نقش بسیار فعالانه‌ای دارد. امیر قطر در پاییز ۱۳۹۱ بعد از آتش‌بس در جنگ غزه، به عنوان اولین مقام بلندپایه به غزه سفر کرد و با مقامات حماس دیدار و گفت‌وگو کرد. این سفر و دیدار با مقامات حماس که آمریکا و اسرائیل آنها را تروریسم می‌دانند، نقش برجسته‌ای در برهم زدن مناسبات قدرت در منطقه داشت. قطر به همراه عربستان و ترکیه به حامیان منطقه‌ای معارضان سوریه تبدیل شده و نقش مهمی در تجهیز و تسلیح آن دارند. قطر با برگزاری اجلاس معروف دوحه در مردادماه نقش مهمی در انسجام گروه‌های معارض سوریه ایفا کرد و بعد از این نشست بود که قدرت‌های اروپایی ائتلاف گروه‌های سوریه را

قطر در سال ۹۱،
نشانه‌های اولیه
وضعیتی از آغاز
تنش در روابط با
جمهوری اسلامی
ایران را به نمایش
گذاشت که
می‌بایست برای آن
چاره‌اندیشی شود

به عنوان نمایندگان مردم این کشور به رسمیت شناختند و زمینه حمایت‌های بیشتر و حضور پررنگ آنها را در عرصه دیپلماتیک جهانی فراهم آوردند. قطر با اتخاذ سیاست خارجی نسبتاً مستقل (در قبال عربستان) در کنار عمان، بهترین روابط را بین اعضای شورای همکاری با ایران داشته است. در عین حال، قطر در روزهای ۲۱ دیماه و ۲۴ و ۲۵ دی‌ماه سال جاری، به ترتیب کنفرانس‌هایی در قاهره پایتخت مصر و دوحه برگزار نمود که اولی به مسئله اعراب خوزستان و دومی به «مسئله کردها» اختصاص داشت و در آنها ضمن دعوت از جریان‌های تروریستی قومی، به حمایت از گرایش‌های قوم‌گرا پرداخت. این موارد نشان‌دهنده ورود قطر به مسائل قومی منطقه و به ویژه ایران است که می‌بایست موضوع هشدار جدی مسئولین ذی‌ربط کشورمان به مقامات قطری قرار گیرد تا تداوم این روند در آینده به تخریب روابط دو کشور منتهی نشود.

عمان

هم به لحاظ تحولات داخلی و هم از حیث تحولات خارجی، عمان کشوری آرام و کم‌تحرک بوده است. انقلاب‌های عربی (احتمالاً به دلیل اکثریت داشتن مذهب اباضیه در این کشور) انعکاس جدی در عمان نداشت و این کشور، تنها در رزمایش‌های نظامی و خرید تسلیحاتی (۱۲ فروند تیفون) در جریان سفر دیوید کامرون به منطقه، در رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در عین حال اخباری نیز از احتمال میانجی‌گری عمان بین ایران و امریکا (و یا انتقال پیام امریکا به ایران) منتشر شد و سفر وزیر خارجه عمان به ایران (بهمن‌ماه)، شایعه مزبور را تقویت کرد اگر چه وی انتقال پیام را هم انکار کرد.

برآورد مقایسه‌ای

در مقایسه تحولات سال ۱۳۹۱ با سال‌های قبل، عموماً شاهد تداوم روندهای موجود هستیم. مناسبات ایران و عربستان بعد از انقلاب اسلامی همواره پرتنش بوده و پس از اتخاذ سیاست خارجی فعالانه‌تر توسط ملک عبدالله متشنج‌تر هم شده است. اختلاف بر سر قیمت نفت (طرفداری عربستان از کاهش و حمایت ایران از افزایش قیمت‌ها)، برخورد خشن حکومت سعودی با شیعیان و خریدهای تسلیحاتی و حتی برگزاری رزمایش‌های مشترک با کشورهای غربی و منطقه‌ای، اموری معمول در عرصه سیاسی و نظامی سعودی در سال‌های اخیر بوده است. در چند سال گذشته، عربستان حمایت از اقلیت اهل تسنن ایران را با تبلیغ مذهبی (تلویزیون‌های تحت حمایت عربستان) و انتقاد از تشیع ترکیب کرده است. بحران سوریه از دو سال گذشته عرصه جدیدی از برخورد ایران و عربستان را گشوده است که تنش در یمن

و مداخله سعودی‌ها علیه اقلیت حوثی (زیدی) نیز اجزای جدیدتر این تعارض‌اند. اعدام چند ایرانی هم که امری کم‌سابقه در سال‌های اخیر بود، احتمالاً با هدف کلی‌تر عربستان یعنی افزایش سطح تنش با ایران مناسبت دارد.

در بحرین، طی دو سال اخیر تشنج داخلی که ریشه‌های ساختاری (حکومت خاندانی اقلیت سنی بر اکثریت شیعه) دارد، تداوم یافته و روابط با ایران نیز تحت تأثیر همین روند قرار داشته است.

در امارات متحده عربی، خریده‌های تسلیحاتی و ادعاهای این کشور نسبت به جزایر سه‌گانه اموری بی‌سابقه نیستند و همواره بعد از انقلاب اسلامی وجود داشته است. در عین حال، دستگیری گروهی سلفی و اخوانی در این کشور که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به صورتی نسبتاً لیبرال اداره می‌شود، تقریباً غیرعادی است و در صورت تداوم می‌تواند موجب نگرانی برای آینده آنها شود.

تلاش قطر برای ایفای نقش پررنگ‌تر در عرصه‌های منطقه‌ای و عربی با سفر قطر به غزه و برگزاری اجلاس دوحه و کمک‌های مختلف و از جمله کمک مالی به جنبش‌های اعتراضی جهان عرب در دو سال گذشته ابعاد گسترده‌تری به خود گرفته است. در عین حال، قطر در سال ۹۱، نشانه‌های اولیه وضعیتی از آغاز نوعی تنش در روابط با جمهوری اسلامی ایران را به نمایش گذاشت که می‌بایست برای آن چاره‌اندیشی شود.

در کویت، پارادوکس حکومت پارلمانی و خاندانی در سال گذشته با قدرت گرفتن بیشتر امیر همراه شد (به طوری که دولت صراحتاً مردم را به اطاعت از امیر دعوت کرد) و گروه‌های اصلی اپوزیسیون که از چند سال قبل در پارلمان مؤثر بودند، کنار رفتند. همچنین، روند تحولات پارلمانی کویت در سال ۹۱، نشان‌دهنده قدرت‌گیری شیعیان در برابر افول جایگاه سلفیان در این نهاد در مقایسه با سال ۱۳۹۰ بود.

عمان به رویه تاریخی خویش تداوم بخشید و تحول اجتماعی و سیاسی مهمی در این کشور و روابطش با ایران اتفاق نیفتاد.

چشم‌انداز ۱۳۹۲

اگر به روند تحولات در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس توجه شود، به نظر می‌رسد در آینده نیز دست کم تا یک سال آتی، حادثه‌ای خارج از چارچوب مزبور شاهد نباشیم.

در عربستان با توجه به ماهیت حکومت و سیاست خارجی کلی این کشور، سیاست افزایش تنش با ایران تداوم خواهد یافت و اختلاف دو کشور بر سر مسایل بحرین و سوریه و

همین‌طور یمن، احتمال ایجاد سازوکاری منطقه‌ای برای امنیت خلیج فارس را از میان خواهد برد و از این رو، تمایل عربستان و سایر اعضای شورا به حضور آمریکا منطقه تداوم خواهد یافت. ضمن آنکه عربستان و سایر کشورهای بدبین نسبت به ایران، هم آرزومند برخورد ایران و آمریکا هستند و هم برای آن زمینه‌سازی می‌کنند. در نتیجه، حمایت عمدتاً غیرعلنی این کشورها از تحریم‌ها علیه ایران در سال آینده نیز ادامه خواهد یافت، ولی همه این کشورها از رویارویی با ایران اجتناب خواهند کرد.

تشنج در بحرین، به احتمال زیاد تداوم خواهد یافت، اما بعید به نظر می‌رسد با حمایت عربستان و غرب از دولت بحرین، اپوزیسیون این کشور بتواند توفیق مهمی کسب کند. در نتیجه، سیاست سرکوب تداوم خواهد یافت و با عکس‌العمل مراجع و علما و سیاستمداران در ایران، تنش‌های جدیدی بروز خواهد کرد. در کویت نیز تشنجات و انتقادات ادامه خواهد یافت، اما بعید است پارلمان جدید (ولو با مشروعیت کم) منحل شده و پارلمانی از اپوزیسیون تشکیل شود که امیر را تحت فشار قرار دهد. در قطر بلندپروازی‌های امیر، ادامه خواهد یافت مگر آنکه حادثه‌ای مهم در داخل یا شکستی جدی در خارج (مثلاً) سوریه اتفاق بیفتد. در امارات و عمان نیز تحول چشم‌گیری پیش‌بینی نمی‌شود و تنها احتمال همراهی بیشتر امارات با تحریم‌های ایران و کاهش روابط تجاری میان دو کشور قابل توجه است.